

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## اشاره به چند نکته

قبل از اینکه در مبحث تعقیبات آخرین نکته را عرض کنم، چند تذکر خدمتان بگویم.

### تمرین نشستن در محضر پروردگار

بعد از اینکه تعقیبات نماز تمام شد، خوب است انسان مدتی ساکت بنشیند. ذکرش را که گفت؛ دعا، قرآن و نافله‌اش را که خواند و هر تعقیبی را که دوست می‌داشت و آنچه را که بلد بود، انجام داد، توصیه‌ی بنده این است که اندکی ساکت و مؤدب در محضر پروردگار، نزد خدا بنشیند؛ چون اوج مرتبه‌ی کمالات اخروی انسان جایی است که قرآن فرمود: «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»<sup>۱</sup> در جایگاه صدق، در پیشگاه فرمانروای عالم وجود. «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ» آنجا محلّ قعود و نشستن است. نشستن در محضر خدا را باید از دنیا تمرین کرد و آن نشستن بعد از نماز است. تعقیبات را هم خوانده‌ای؛ بگو: خدایا! می‌خواهم یک دقیقه پهلویتان بنشینم. انسان نشستن نزد خدا را، از همین جا تمرین کند. نمازش که تمام شد، بلافاصله راه نیفتد. بعضی‌ها را دیده‌ام؛ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» را که گفتند، «اللَّهُ أَكْبَرُ» های بعدش را هم در راه می‌گویند. تحمل نمی‌کند اندکی بنشیند. این خیلی حیف است! خودش را از تعقیبات و از این نکته‌ای که عرض کردم، که نشستن در محضر پروردگار خیلی سازنده و فوق‌العاده است و اوج کمالات انسان این است که بتواند در محضر خدا بنشیند، محروم می‌کند. لذا خوب است وقتی نماز تمام شد، انسان اندکی

---

<sup>۱</sup>. سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۵۵.

بنشینند. بگویند: خدایا! دلم تنگ شده است؛ آمده‌ام دقایقی پهلویتان بنشینم. در محضر پروردگار خود بنشینند.

بعضاً پیش آمده است، فرد تعقیبات نماز را خیلی بلد نیست؛ دعا، ذکر و امثال آن را کم بلد است؛ مثلاً تسیحات حضرت زهرا علیها السلام را می‌گوید؛ یکی، دو تا هم دعای مختصر بلد است، می‌خواند؛ چیزی دیگری بلد نیست. بعضاً افراد وقتی می‌بینند چیزی بلد نیستند، یا شروع می‌کنند به حرف زدن با بغل دستی‌ها و یا برمی‌خیزند و مشغول کار دیگری می‌شوند. خوب است بعد از تعقیبات، انسان سکوت کند. دیگر دعایی بلد نیستی بخوانی؟ ذکر بلد نیستی بگویی؟ ساکت بنشین. بگو: خدایا! هرچه بلد بودم را گفتم؛ حالا نوبت شماست. شما حرف بزنید. من ساکت می‌نشینم؛ شما حرف بزنید. آن وقت بنشین بین برایت چه می‌آید و خدا چه‌طور از باطن با تو حرف می‌زند! از این نکته بهره ببریم. بگوییم: خدایا! من بیش از این بلد نیستم. نماز بلد بودم، خواندم؛ دعا، ذکر و امثال آن را که بلد بودم، خواندم؛ همه‌ی هنرهایی را که داشتم، به‌خرج دادم؛ حرف‌های من تمام شد؛ حالا نوبت شماست؛ شما حرف بزنید. بنشینید، آن وقت ببینید چه می‌آید! اجر همه‌ی نماز و تعقیباتتان، از آن طرف برایتان می‌آید. بنابراین بلافاصله بعد از سلام یا بعد از تعقیبات، مشغول حرف زدن با خلق نشویم. آرام بنشینیم، ساکت!

### مصافحه نکردن بعد از نمازهای واجب

چیزی که سنت است و من هم سند و ریشه‌ای برای آن پیدا نکردم که از چه زمانی رایج شده است. در باب تعقیبات نمازها، روایتی در این زمینه ندیدم؛ ولی خیلی رایج است؛

افراد وقتی سلام نماز را می دهند، خصوصاً در صفوف نماز جماعت، به سمت دست راستی و دست چپی برمی گردند؛ مصافحه می کنند و دست می دهند.

مصافحه خیلی ارزشمند است؛ اینکه فرد با برادر ایمانی، یا اگر خانم است، با خواهر ایمانی خود، دست بدهد؛ خیلی ارزش دارد. در روایت داریم وقتی دو مؤمن با هم مصافحه می کنند، همان طور که برگ درختان در فصل پاییز فرو می ریزد و درختان عاری از برگ می شوند؛ گناهان آن دو نفر فرو می ریزد و وجودشان عاری از گناه می شود.<sup>۲</sup> مصافحه کردن اینقدر فضیلت دارد! اما محلّ مصافحه بعد از نمازهای واجب نیست. وقتی وارد مسجد شدید با همه‌ی نمازگزارها مصافحه کنید؛ وقتی خواستید خداحافظی کنید و بروید هم، دوباره با آنها دست بدهید. خیلی هم خوب است. فوق العاده فضیلت دارد؛ اما اینکه سلام نماز را که دادید، روی خود را به سمت راستی یا به سمت چپی برمی گردانید و به خلق مشغول می شوید و متوجه به آنها می شوید؛ پیوستگی تعقیباتان را با نماز از بین می برد؛ لذا بنده چنین توصیه‌ای نمی کنم که شخص بعد از اینکه نماز واجبش تمام شد، به سمت راست و چپ خود برگردد، با افرادی که در دو سوی او هستند، دست بدهد و مصافحه کند؛ چون رویتان را از قبله برمی گردانید، پیوستگی تعقیباتان با نماز از بین می رود. ضمن اینکه این دست دادن‌ها، بعضاً توأم با حرف زدن است. مثلاً به بغل دستی می گوید حاج آقا قبول باشد. با این حرف زدن، تعقیبات را از نمازت قطع کردی.

---

<sup>۲</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷۹، حرّ عاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱۲، ص ۲۲۴.

## مکروه بودن سلام کردن به فردی که مشغول عبادت است

نکته‌ی دیگر را سایرین باید نسبت به فرد نمازگزار مراعات کنند. اگر یک نفر نماز می‌خواند یا نشسته است و ذکر می‌گوید؛ مشغول تعقیبات نمازش است؛ یا بعد از نماز نشسته است و فکر می‌کند و یا شخصی مشغول هر عبادت دیگری مانند دعا و رازونیا با خدا است؛ سلام کردن به چنین فردی مکروه است. سلامی که آن همه فضیلت دارد! اما سلام کردن به چنین فردی مکروه است. دوستش داری؟ می‌خواهی به او ابراز محبت کنی؟ در دلت به او سلام کن؛ اما سراغش نرو که حواسش را از عبادت، فکر، ذکر، تعقیبات و دعا خواندن پرت کنی. نگو حاج آقا التماس دعا! قبول باشه! سلام علیکم! تقبل الله ان شاء الله و از این قبیل حرف‌ها. این کار را نکنید. مکروه است؛ یعنی خدا دوست نمی‌دارد. علی‌رغم همه‌ی اجر و فضیلتی که سلام دارد، خصوصاً فضیلتی که ابتداکننده‌ی به سلام دارد، که نودونه درصد اجر برای کسی است که اول سلام می‌کند، یک‌درصد باقی آن برای کسی است که جواب سلام را می‌دهد؛ اولی کار مستحبّ کرد و نودونه درصد اجر را برد؛ دومی کار واجب می‌کند؛ چون جواب سلام دادن واجب است، و یک‌درصد اجر را می‌برد؛ اما علی‌رغم همه‌ی این فضیلت، سلام کردن به شخصی که مشغول عبادت و رازونیا است، مکروه است. چرا؟ چون حواسش را پرت می‌کنید؛ او که توجه‌اش به خدا متمرکز است؛ اکنون باید حواسش به سوی خلق بیاید و جواب سلام شما را بدهد؛ لذا حتماً به کسی که نماز می‌خواند؛ دعا می‌خواند؛ ذکر می‌گوید؛ یا مشغول هر عبادت دیگری است و یا مشغول فکر است، که افضل عبادات است؛ سلام نکنید! بگذارید در حال خودش

باشد. در دلتان به او سلام کنید. با صدای بلند سلام نکنید. بگذارید بعداً وقتی که عبادتش تمام شد و بلند شد؛ آن موقع بروید سلام کنید.

### اختصاص دادن زمانی برای خواندن تعقیبات شخصی نمازگزار در نماز جماعت

این نکته را هم اشاره کرده‌ام که خصوصاً در نمازهای جماعت، فردی که مثلاً مکبر بوده است یا دیگری، بعد از اینکه تعقیبات نماز را با صدای بلند می‌خواند؛ تا کسانی که تعقیبات را بلد نیستند، با او همراهی کنند. این کار خوب است؛ تعقیبات را می‌خوانند، برای اینکه کسانی که بلد نیستند هم کم‌کم آنها را یاد بگیرند؛ اما همیشه توصیه کرده‌ام که چون موضوع تعقیبات، یا موضوع دعا‌هایی که انسان می‌کند، باید ناظر بر نیازهایی باشد که در وجود خود احساس می‌کند؛ خیلی خوب است بعد از اینکه آن تعقیبات را خواندند و قبل از اینکه نماز بعدی را شروع کنند، فرجه‌ای هم بگذارند که نمازگزارها چه به زبان فارسی و یا به هر زبان که می‌خواهند، بگویند و خواسته‌هایی را که با عمق جان، نیاز خودشان می‌بینند، ابراز کنند و یا گفت‌وگوهایی که خودشان می‌خواهند خصوصی با خدا داشته باشند، آنها را اظهار و ابراز کنند. پس بعد از تعقیباتی که برای عموم خوانده می‌شود، یک وقت خالی هم برای چنین کاری بگذارند.

### مبحث تعقیبات نماز

#### رفع نیاز نیازمندان

آخرین تعقیبی که می‌خواهم عرض کنم و بحث تعقیبات را به یاری خدا جمع کنم، چیزی است که شاید تاکنون به منزله‌ی تعقیبات نشنیده‌اید و آن رفع نیاز نیازمندان است. یعنی ذکر، دعا، تلاوت قرآن، فکر و همه‌ی این‌ها باید توأم با رسیدگی به حال انسان‌های

دردمند و نیازمند باشد. جالب است؛ روایتی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که به مؤمنین فرموده بودند: من بعد از نماز صبح، تا هنگامی که آفتاب طلوع کند، مشغول تعقیبات هستم. بعد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام که در صف جماعت بودند، به پشت سر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می آمدند و پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نزدیک ایشان می نشستند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اصحاب توصیه کرده بودند هرکس هر مشکل، حاجت یا دردی دارد؛ بعد از آن به من مراجعه کند. اصحاب می آمدند؛ از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام اجازه می گرفتند و خدمت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشکلاتشان را بیان می کردند. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم به آنها کمک می کردند و آنها را راهنمایی می فرمودند. این هم یک تعقیب است.<sup>۳</sup>

چنان در لاک عبادات فردی خودمان نرویم که از انسان هایی که در اطراف ما هستند و برخی از آنها درگیر مشکلات حادی هستند، که ممکن است با یک راهنمایی، توصیه یا بهره بردن از تخصصی که دارم، می توانم به او کمک کنم، غافل شویم. فرض کنید من پزشکم؛ می توانم به او بگویم برای این بیماریت این کار را بکن؛ یا روان پزشکم؛ می توانم راهنمایی کنم که برای نجات از این اختلال روحی و روانی به این شکل رفتار کن. هر رشته و تخصصی که دارم؛ مثلاً یک عالم دینی هستم، او یک سؤال دینی یا مشکل اعتقادی دارد؛ می توانم با توضیح، مشکل او را برطرف کنم؛ یا نیاز مادی دارد؛ می توانم از توانایی های مالی خودم به او کمک بدهم؛ یا کارش جایی گیر کرده است؛ من آنجا

---

<sup>۳</sup> اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشیعة، ج ۵، ص ۴۳۸.

آشنایی دارم و می‌توانم با سفارشی که می‌کنم، کمک کنم مشکل آن بنده‌ی خدا حل شود. بالاخره طوری در لاک عبادات فردی خودمان فرو نرویم که از بیرون غافل شویم. همیشه برایتان عرض کرده‌ایم؛ هم درون‌گرایی افراطی غلط است؛ هم برون‌گرایی افراطی. هم اینکه من چنان در خودم و در خلوت‌های عارفانه، ذکر، فکر و امثال این امور فرو بروم که از بیرون بی‌خبر بمانم، غلط است و چنین انسانی راه به تکامل و تعالی نمی‌برد؛ همان‌طور برون‌گرایی افراطی هم غلط است؛ که چنان ذکر، فکر و توان خودم را مصروف دیگران کنم؛ که هیچ خلوت و فراغتی برای اندیشیدن در مورد خودم و پرداختن به عبادات، خودسازی و امثال آن برای خودم باقی نماند؛ این هم به تعالی و تکامل نمی‌انجامد. راه میانه و طریق وسطی جمع بین درون و بیرون است. بنابراین این نکته را هم بیاموزیم که مکمل همه‌ی تعقیبات، توجه و رسیدگی به انسان‌های دیگر، کمک به نیازمندان و رفع مشکل، درد و گرفتاری از آنهاست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اگر بخواهیم درباره تعقیبات صحبت کنیم، حرف بسیار زیاد است؛ منتهی بیش از این، بحث تعقیبات را دنبال نمی‌کنیم. اگر خدا عمری داد از جلسه‌ی آینده وارد بحث منافیات نماز می‌شویم؛ که آن هم بحث بسیار مهمی است. اگر خدا توفیق بدهد، در آن بحث هم نکته‌های کلیدی و راه‌گشایی را خدمتان عرض خواهیم کرد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ